

**روزشمار جنگ** | **روز صد و نوزدهم**

در پاسخ به بیابنه مداخله‌جویانه کشورهای حوزه خلیج فارس و تداوم اشغالگری رژیم صهیونیستی صادر شد

**اخطار قاطع ایران به همسایگان**

**گروه سیاسی** | در صد و نوزدهمین روز از جنگ، ایران با اتخاذ مواضعی صریح، امنیت آبراه‌های حیاتی را نه به ترتیبات مبهم غربی، بلکه به همدانگی مستقیم با سپاه پاسداران گره زد. در حالی که تلاش‌های واشنگتن برای ایجاد مسیرهای موازی در تنگه هرمز با بن بست مواجه شده، سپاه پاسداران با مسدودسازی تردد بدون مجوز، تأکید کرد امنیت منطقه از مسیر همکاری با تهران می‌گذرد. این چرخش راهبردی، هم‌زمان با تداوم اشغالگری اسرائیل در لبنان و فشارهای دیپلماتیک آمریکا، نشان‌دهنده آن است که تهران در برابر دخالت‌های منطقه‌ای، رویکردی تدافعی–تهاجمی را در پیش گرفته است.

**■ تقابل استراتژی‌ها؛ اصرار بر کماحمت در برابر نمایش مداخله**

تلاش آمریکا برای استفاده از بیابنه مشترک با کشورهای حوزه خلیج فارس، با هدف ایجاد فشارهای دیپلماتیک بر ایران، با سد محکم دستگاه دیپلماسی ایران برخورد کرد. سخنگوی وزارت خارجه در یک واکنش صریح، کشورهای همسایه را از ایفای نقش در زمین مداخلات واشنگتن برحذر داشت. پیام ایران روشن است. امنیت خلیج فارس، محصول هم‌گرایی منطقه‌ای است، نه بازی نظامی بیگانگان.

از سوی دیگر، اقدام سپاه در مسدودسازی عملیاتی تردد بدون مجوز در هرمز و تخلیه بیش از ۱۱۵ کشتی تجاری از این آبراه، پاسخی دندان‌شکن به «توهم مدیریت مسیریهای موازی» بود. وقتی معاون وزیر خارجه ایران اعلام کرد امنیت مسیرهای ادعایی غرب هیچ تضمینی ندارد، در واقع پیامی به بازار انرژی مخایبه شد که امنیت آبراه، قابل خرید و فروش با بیابنه‌های سیاسی نیست.

**■ لبنان؛ سنگر مقاومت در برابر ماشین اشغال**

در جبهه شمال، اوضاع کماکان نشان‌دهنده بن‌بست راهبردی اسرائیل است. اشغال یک‌پنجم خاک لبنان، نه تنها منجر به امنیت برای تل آویو نشده، بلکه هزینه‌های بین‌المللی رژیم را به نقطه جوش رسانده است. اصرار نتانیابو هر تداوم حضور نظامی، دقیقاً همان نقطه‌ای است که نشان می‌دهد رژیم صهیونیستی راهی «فرسایش» پیش رو ندارد. وقتی گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشری، چهره کر به شکنجه و آزار نظام‌مد فلسطینیان را در زندان‌های اسرائیل افشا می‌کنند، دیگر جایی برای نمایش‌های اخلاقی واشنگتن در حمایت از این رژیم باقی نمی‌ماند. اسرائیل در حالی که در پرونده رفتار با اسیران فلسطینی در لیست سپاه ناقضان حقوق بشر قرار گرفته، با صدور کیفرخواست علیه شهرک‌نشینان تروریست، تنهابخش کوچکی از حقیقت درونی‌اش نمایان شده است.

**■ تداوم مقاومت در برابر فشارها**

در حالی که ترامپ در تلاش است با وعده خرید محصولات کشاورزی، دارایی‌های آزادشده ایران را مدیریت کند، تهران همچنان بر موضع «تضمین‌های عینی» پافشاری می‌کند. نه بازرسی‌های ادعایی آژانس و نه فشارهای اقتصادی برآمده از بیابنه‌های سیاسی، هیچ کدام نتوانسته است عزم ایران را در دفاع مشروع و از منافع ملی‌اش متزلزل کند.

ایستگاه صد و آزمون اراده‌هاست. ایران با هوشمندی ثابت کرده در عین آمادگی برای گفت‌وگوهای فنی و سازنده، «امنیت جغرافیایی» و «عزت ملی» را با هیچ توافق شکننده‌ای معاوضه نخواهد کرد. واشنگتن اگر خواهان بازگشت آرامش به بازارهای جهانی است، باید بداند کلید این آرامش، نه در لفاظی‌های تهدیدآمیز، بلکه در به رسمیت شناختن واقعیت قدرت ایران در خلیج فارس و ضرورت پایان اشغالگری اسرائیل در لبنان نهفته است.

## خبر

جزئیاتی تازه از چارچوب مذاکرات هسته‌ای

## نقش آژانس صرفا پس از توافق نهایی تعریف شده است

بر اساس شنیده‌ها از متن تفاهم‌نامه مذاکرات هسته‌ای، نقش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی صرفاً در مرحله پس از توافق نهایی تعریف شده است.

خبرگزاری فارس نوشت: بر اساس شنیده‌ها از متن تفاهم‌نامه مذاکرات هسته‌ای، نقش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی صرفاً در

مرحله پس از توافق نهایی تعریف شده است. بر اساس مادهٔ ۸ این تفاهم‌نامه، در اجرای توافق جامع، یکی از گزینه‌های پیش‌رو برای مدیریت مواد هسته‌ای، رقیق‌سازی آن‌ها در داخل ایران و زیر نظر آژانس خواهد بود؛ اما این مرحله، منوط به حل چهار

موضوع کلیدی است: لغو کامل تحریم‌ها، ترسیم جزئیات بازرسازی اقتصادی ایران، تعیین حدود و چارچوب خروج

نیروهای آمریکایی از منطقه و نهایی شدن پرونده هسته‌ای. منابع مطلع می‌گویند تا پیش از حصول توافق نهایی، ماده

۹ تفاهم‌نامه صراحت دارد که ایران هیچ تغییری در برنامه هسته‌ای خود اعمال نخواهد کرد. تفسیر ضمنی این بند آن است که سطح نظارت‌های فعلی آژانس نیز بدون دگرگونی ادامه

می‌یابد؛ به این معنا که ایران همچون گذشته، دسترسی موردی به سایت‌های بوشهر و تهران را برای بازرسان فراهم می‌کند، اما اجازه ورود به سایر تأسیسات از جمله فردو، نطنز و اصفهان را نخواهد داد.

در همین حال، دیپلمات‌های آگاه از روند مذاکرات تأکید دارند رافائل گروسی، مدیرکل آژانس که نامزدی دبیرکلی سازمان ملل را نیز در دستور کار دارد، در اظهارات اخیر خود تلاش دارد نقش بیشتری برای آژانس در این مرحله تعریف کند؛ اما موضع قاطع تهران، ادامه روند فعلی و رد هر گونه زیاده‌خواهی پیش از توافق نهایی است.

**اذعان فارن افروز به تغییر راهبرد کلان ایران**

# چگونه جمهوری اسلامی بازسازی شده خاورمیانه را تغییر خواهد داد



**گروه سیاسی** | فارن افروز در گزارش تازه خود به راهبرد کلانی پرداخته که جمهوری اسلامی با اتکا به آن، خاورمیانه جدید را شکل خواهد داد. دوماه‌نامه آمریکایی فارن افروز که به شکل تخصصی در حوزه سیاست فعال است در این گزارش تشریح کرده چگونه ایران توانسته هم آتش جنگ را مهار کند و هم به بازسازی و نوسازی خود بپردازد و باز هم در جایگاهی محوری در خاورمیانه باقی بماند. آنچه در ادامه می‌خوانید بخش‌هایی از این گزارش است که به قلم «نرگس باجغلی» و «ولی نصر» نوشته شده است.

**■ کوره جنگ، ایران را به شیوه پیش‌بینی نشده‌ای تغییر داد**

«در آغاز جنگ ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران در فوریه ۲۰۲۶، جمهوری اسلامی آسیب دیده و ضعیف به نظر می‌رسید. بمباران گسترده، صنعت و زیرساخت‌ها را نابود و محاصره در یابیی ایالات متحده، اقتصاد این کشور را ویران کرده بود. در اوایل ماه مارس، دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده در هواپیمای ایر فورس وان به خبرنگاران گفت: «ما تمام امپراتوری آن‌ها را نابود کرده‌ایم» و چند هفته بعد، او «پیروزی کامل و تمام‌عیار» را اعلام کرد.

با این حال، سه‌ماه بعد، تصویر کاملاً متفاوت به نظر می‌رسد. ایران ظرفیت نظامی و صنعتی خود را حفظ کرده است و با وجود درخواست ترامپ از ایرانیان برای سرنگونی رژیم، هیچ قیام مردمی در شرف وقوع نیست. هدف اولیه جنگ – وارد کردن ضربه به مهلک به جمهوری اسلامی – دست نیافتنی بوده است.

کوره جنگ به جای اینکه ایران را در خود ذوب کند، آن را به شیوه‌های پیش‌بینی نشده‌ای تغییر داده است. جمهوری اسلامی برای بقا و ایجاد مزایای استراتژیک جدید، مجبور به سازگاری و نوآوری شد و نحوه جنگیدن، اداره دولت و مدیریت جامعه را تغییر داد و این کار را باید با سرعتی بی‌سابقه انجام می‌داد. تهران اکنون به دستاوردهای خود اطمینان دارد و مصمم است این دستاوردها را در داخل و خارج از کشور تثبیت کند. این جنگ موجب ظهور یک ایران جدید شده است، ایرانی که خاورمیانه را تغییر شکل خواهد داد و بر روند ژئوپلیتیک در سال‌های آینده تأثیر خواهد گذاشت.

**■ باز کردن راه برای نسل تازه رهبران**

با احساس اینکه جمهوری اسلامی توسط جنگ ۱۲ روزه در ژوئن ۲۰۲۵ و قیام مردمی (!) در ژانویه ۲۰۲۶ تضعیف شده است، اسرائیل و ایالات متحده در ۲۸ فوریه حملات هوایی به ایران را آغاز کردند. آن‌ها انتظار داشتند از طریق ترورهای هدفمند رهبری ایران، به پیروزی سریعی دست یابند. اما از بین بردن سران منجر به فروپاشی جمهوری اسلامی نشد. در عوض، راه را برای به دست گرفتن قدرت توسط نسلی تازه باز کرد.

بسیاری از ناظران غربی، رهبر تازه را که در طول جنگ ظهور کرد، از منظر اعتقادی، تندروتر و نسبت به ایالات متحده و اسرائیل ستیزه‌جوتر می‌دانند. اما این کاملاً درست نیست. آنچه واقعاً آن را متمایز می‌کند، ظرفیت‌رو مهم‌تر است. ناظران خارج از ایران بر تعداد انگشت‌شماری از رهبران ارشد تمرکز

### خبر

**واکنش صریح وزارت خارجه به بیابنه آمریکا و شورای همکاری خلیج فارس**

## امنیت منطقه با دخالت خارجی محقق نمی‌شود

همکاری خلیج فارس -مورخ ۲۵ ژوئن ۲۰۲۶- را مداخله‌جویانه، غیرمستولانه و تحریک‌آمیز دانسته و نسبت به ادامه رفتارهای ستیزه‌جویانه و مداخله‌جویانه در منطقه هشدار می‌دهد.

ادعای «تعهد پایدار آمریکا به امنیت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس»، چیزی بیش از لفاظی و اورون‌نمایی واقعیت نیست. اکنون بیش از هر زمانی برای همگان آشکار شده است که حضور نظامی آمریکا در کشورهای منطقه صرفاً پاری در پوش ملت‌های منطقه و عامل ناامنی و تفرقه در منطقه است. استفاده آمریکا از پایگاه‌ها و امکانات نظامی مستقر در کشورهای منطقه برای ارتکاب جنایت تجاوز علیه جمهوری اسلامی ایران طی بازه زمانی ۹ اسفند ۱۴۰۵ (تغیلت ۱۹ فروردین ۱۴۰۶ به وضوح نشان داد آمریکا هیچ ارزشی برای امنیت

می‌کنند. با این حال، مهم‌تر از آن، دگرگونی در رده‌های پایین‌تر از آن‌هاست: نسل جدیدی از فرماندهان سپاه و مقامات امنیتی غیرنظامی که پس از انقلاب ۱۹۷۹ به بلوغ رسیده‌اند. آن‌ها اکنون مناصب کلیدی تصمیم‌گیری را در اختیار دارند و دیدگاه ملی‌گرایانه آن‌ها در مورد کشورداری و امنیت، جمهوری اسلامی را از تعریف می‌کند.

کسانی که امروز در رأس قدرت هستند، نسل دوم انقلابیون ایران، از جمله [حضرت آیت‌الله] مجتبی خامنه‌ای، القلیباف و وحیدی، در دوران جنگ ایران و عراق نوجوان و جوان بودند. جهان بینی آن‌ها در سنگرهای طولانی‌تر ین جنگ متعارف قرن بیستم شکل گرفت. کسانی که در طبقه مدیریتتی جدید نیروهای سیاسی و مسلح ایران، نسل سوم انقلاب، هستند، چیزی جز ایران‌پس از انقلاب نمی‌شناسند. اعضای این طبقه از افسران نیروهای مسلح و سپاه پاسدارن، به همراه نهادهای امنیتی وابسته به آن‌ها، فرهنگی ساختار یافته و دیدگاهی استراتژیک مبتنی بر دفاع ملی، نه ایدئولوژی انقلابی را اتخاذ کردند و آن‌ها با اعتماد به نفس رهبرانی حکومت می‌کنند که

معتقدند با موفقیت از ایران در دو جنگ علیه قدرت‌های برتر نظامی (جنگ ۱۲ روزه سال گذشته و درگیری بسیار بزرگ‌تر امسال) دفاع کرده‌اند و به چیزی دست یافته‌اند که از آرمان‌های انقلاب اسلامی بوده است: تضعیف واقعی قدرت آمریکا در خاورمیانه.

**■ سازماندهی دوباره کشورداری پیرامون جنگ**

پیش از حمله آمریکا و اسرائیل در ژوئن ۲۰۲۵،

جمهوری اسلامی فرض کرده بود که می‌تواند به طور نامحدود یک بن‌بست نه جنگ و نه صلح با ایالات متحده و اسرائیل را حفظ کند. اشتباه آن‌ها ثابت شد. دانشگاه‌ها، موسسه‌های تحقیقاتی، اندیشکده‌ها و نهادهای دولتی ایران شروع به برگزاری بحث‌هایی در مورد درس‌های آموخته شده و تغییرات مورد نیاز کردند. در آن هشت ماه، تغییرات نهادی بیشتری نسبت به مجموع ۱۰ سال گذشته رخ داد. بسیاری از تصمیم‌های اجرایی در مورد تجارت، کشاورزی و مدیریت خدمات اقتصادی و اجتماعی از تهران به مراکز استان‌ها غیرمتمرکز شد و سازمان‌های ناظر بر تبلیغات، ارتباط با مخاطبان داخلی و انتشار اطلاعات در خارج از کشور، دستخوش یک بازنگری نسلی شدند. رخوت‌نهادی که مدت‌ها بود بروکراسی جمهوری اسلامی را تعریف می‌کرد، اکنون جای خود را به ضرورت سازگاری سریع داده بود. در این فرایند، تصمیم‌گیرندگان تکنوکرات‌مسئولیت‌را به‌دست گرفتند. رفتار ایران در جنگ بعدی، رویکرد تکنوکراتیک نسل جدید را منعکس می‌کرد. جمهوری اسلامی مدت‌ها در میان هزارتوی آشفته‌ای از مراکز قدرت عمل کرده بود که منجر به بحث‌های داخلی بی‌پایان و سکون و بی‌تحرکی شده بود. اما بین دو جنگ، این هرج و مرج خود جای‌رو به‌نظم و انضباط سازمانی و انعطاف‌پذیری داد. یک شورای عالی دفاع جدید – به رهبری ژنرال‌های سپاه، عبدالرحیم موسوی، محمد پاکپور و علی شمخانی – برای تسریع تغییرات نظامی ایجاد شد. قالیباف، ژنرال سابق سپاه که در سال ۲۰۲۰ رئیس مجلس شد و علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، نقش‌های موازی در

**■ تهران خودش را در وضعیت توازن جدید قدرت می‌بیند**

مهم‌ترین پیروزی برای نسل جدید رهبران این است که راهبرد آن‌ها مؤثر واقع شد. جمهوری اسلامی در برابر بمباران‌های ایالات متحده و اسرائیل مقاومت کرد، کنترل تنگه هرمز را به دست گرفت و با محاصره در یابیی ایالات متحده روبه‌رو

شد. در این فرایند، میدان نبرد را به خلیج فارس گسترش داد و خسارت‌های سنگینی به ۱۶ پایگاه ایالات متحده وارد و چندین پایگاه را غیرفعال کرد. در ماه مارس، شبه‌نظامیان عراقی ایالات متحده را مجبور به ترک کمپ ویکتوری – یک تأسیسات نظامی بزرگ ایالات متحده در بغداد که نیروهای آمریکایی از سال ۲۰۰۳ آن را اشغال کرده بودند- کرد.

حملات ایران همچنین بحران اعتماد را در میان کشورهای خلیج فارس ایجاد کرد. ایالات متحده جنگ را به شهرها و زیرساخت‌های حیاتی آن‌ها کشانده و در محافظت از آن‌ها شکست خورده بود. تهران بن‌بست حاصل را به عنوان یک توازن قدرت جدید می‌بیند. محاصره در یابیی ایالات متحده، اقتصاد ایران را تحت فشار قرار داده است، اما به قیمت آشکار کردن اهمیت استراتژیک تسلط ایران بر تنگه، ایالات متحده با تغییر از جنگ هوایی به محاصره دریایی، در واقع اعتراف کرد ایران میدان نبردی را که درگیری در آن رخ خواهد داد، تغییر داده است.

ترامپ محاصره دریایی را به عنوان راه حلی جادویی برای پیروزی در جنگ پذیرفت، اما این کار تنها فشار بیشتری بر اقتصاد جهانی وارد کرد. این بن‌بست به معنای برابری استراتژیک بیشتر بود که رهبری ایران بر آن تأکید کرد. در ادامه، کنترل تنگه که یک گلگاه اقتصادی جهانی غیر قابل انکار حیاتی است، به عنوان یک اهرم اقتصادی و عامل بازدارنده در برابر حملات آینده به تهران خدمت خواهد کرد. برای رهبران ایران، این قدرت تازه درک شده تا حدودی هزینه‌هایی را که در طول جنگ متحمل شده است، از جمله تضعیف متحد لبنانی خود، حزب الله و سایر شکست‌هایی که در سال‌های اخیر متحمل شده است مانند از دست دادن سوریه به به عنوان یک کریدور استراتژیک پس از سقوط رژیم بشار اسد، که وفادارترین متحد ایران در جهان عرب بود، جبران می‌کند.

از نظر تهران، مهار چند دهه‌های ایران توسط ایالات متحده به پایان رسیده است. نظم جدید منطقه‌ای کمتر با برتری آمریکا و بیشتر با چندقطبی بودن تعریف خواهد شد. حاکمان جدید ایران بر این اساس حلال‌در حال مذاکره هستند.

**■ سپاه پاسداران دیگر روی دیپلماسی حساب نمی‌کند**

برای حاکمان ایران، رسیدگی به شکایات‌های اقتصادی پس از پایان جنگ ضروری خواهد بود. واکنشنگن فرض می‌کند تهران همچنان به مذاکره برای لغو تحریم‌ها علاقه‌مند است، اما سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روی دیپلماسی حساب نمی‌کنند. دیگر معتقد نیست که ایالات متحده هرگز تحریم‌ها را لغو خواهد کرد. بلکه، به دنبال توافقی است که به جنگ پایان دهد، دستاوردهای ایران را تثبیت کرده و راه را برای سود اقتصادی حاصل از مالیات بر ترافیک دریایی از طریق تنگه هرمز هموار کند.

واکنشنگن این موضع جدید را به عنوان لجاجتی ناشی از انعطاف‌ناپذیری ایدئولوژیک و رقابت جناحی در تهران تفسیر می‌کند اما آن‌ها اشتباه می‌کنند. رویکرد جسورانه تهران نه نشان‌دهنده انعطاف‌ناپذیری ایدئولوژیک است و نه اختلافات جناحی. در عوض، این نشان‌دهنده اعتماد به نفس تازه یافته ایران و درس‌هایی است که از جنگ و دوره‌های قبلی مذاکرات آموخته است. رهبران این کشور درک می‌کنند ایالات متحده به دنبال بدست آوردن چیزی از مذاکرات است که در جنگ نمی‌توانست به آن دست یابد و واکنشنگن به دنبال معامله نیست- بلکه به تسلیم ایران می‌اندیشد.

**■ ایران نوظهور همچنان اقتدارگرا باقی خواهد ماند**

فرماندهان ایرانی شبکه منطقه‌ای خود را نه از روی تمایل ایدئولوژیک که با تهدیدهای نظامی و خفقان اقتصادی توسط ایالات متحده اسرائیل مواجه است، نمی‌تواند کاملاً مستقل باشد، حفظ می‌کنند. اصرار ایران بر اینکه مذاکرات با ایالات متحده مشروط به آتش بس در لبنان است و اینکه توافق نهایی باید به جنگ در همه جبهه‌ها پایان دهد و دستاوردهای استراتژیک ایران را منعکس کند، این دیدگاه گسترده از دفاع منطقه‌ای را نشان می‌دهد.

این جنگ، آژمونی دشوار بوده و موجب ایجاد نسخه جدیدی از جمهوری اسلامی و نخستین تغییر نسلی بزرگ از زمان تأسیس آن شده است. قدرت دیگر در دست بنیان‌گذاران نیست. نسل دوم اکنون امور نظامی و سیاسی را اداره می‌کند، در حالی که نسل‌های سوم و چهارم ارتباطات و دسترسی بین‌المللی راهدایت می‌کنند.

جمهوری متولد شده از جنگ‌های ایالات متحده و اسرائیل، کمتر با ایدئولوژی و بیشتر با ناسیونالیسم، کمتر با انقلاب و بیشتر با سیاست‌مداری، کمتر با کاربزمای روحانی و بیشتر با اعتماد به نفس و اخلاق تکنوکراتیک یک طبقه افسر جدید تعریف می‌شود. جمهوری اسلامی نوظهور همچنان بسیار اقتدارگرا باقی خواهد ماند. اما دسته‌بندی‌هایی که تحلیلگران غربی اغلب برای توصیف جناح‌های مختلف آن – تندروها در مقابل میانه‌روها، ایدئولوگ‌ها در مقابل اصلاح‌طلبان – استفاده کرده‌اند، بیش از هر زمان دیگری دقیق نخواهد بود.»

کشورهای منطقه و روابط فیمابین آن‌ها قائل نیست. انتظار می‌رود کشورهای منطقه که قلمرو و امکانات آن‌ها طی جنگ تحمیلی اخیر مورد بهره‌گیری متجاوزان آمریکایی- صهیونیستی برای حمله به ایران قرار گرفت، در دیدگاه‌های خود تجدیدنظر کنند. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با ابراز انزجار از تکرار دروغ بزرگ جعل شده توسط رژیم نسل‌کش صهیونیستی و آمریکا در رابطه با برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران، به حکومت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس توصیه می‌کند به جای همنوایی با آمریکا در مقابل میانه‌روها، هسته‌ای صلح‌آمیز ایران، برای تحقق ابتکار منطقه غرب آسیا عاری از سلاح‌های هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران همراه شوند و رژیم آمریکا را وادار به توقف کارشکنی در مسیر اجرایی این ابتکار نمایند.